

## همزمان با یکصدمین سالگرد پیروزی انقلاب مشروطیت

### تهران در آرزوی مشروطیت، آذربایجان در آستانه جمهوریت، سعید متین پور

امروز و فردا ، 14 و 15 مرداد ماه همزمان با یکصد مین سال پیروزی انقلابیون مشروطه خواه واعطای فرمان تاسیس مجلس شورای ملی بدست سلطان قاجار ، اصلاح طلبان جمهوری اسلامی ایران و تعداد انگشت شماری از روشنفکران در ساختمانی در نیاوران تهران به سمینار می نشینند . تا اینجا کار مشروطه در صد سال پیش ، سهم روحانیون و روشنفکران در گرفتن فرمان مشروطیت بسیار چشم گیر بوده است و اگر بنیان فکری به جای مانده از فتحعلی آخوندوف و دیگران و پرداخت آن توسط روشنفکران بعدی و تطبیق آن با اسلام توسط روحانیون مترقی نبود مشروطه و مجلس شکل نمی گرفت . اما اگر قدرت فکری و نهادی روشنفکران و روحانیون استبداد طولانی مدت ممالک محروسه را شکست ، این قدرت اجتماعی حرکت کسانی مانند ستار خان و مجاهدین بود که توانست استبداد صغیر را بشکند و مجلس را در این سرزمین دائمی سازد. این قدرت اجتماعی ، برآمده از تبریز بود . تبریز و آذربایجانی که به واقع قسمت اعظم روشنفکران و روحانیون مترقی نیز برخاسته از آن بودند . همین وامداری مشروطه به آذربایجان است که کنجکاو می مقایسه امروزین آن دو را بر می انگیزاند . در حالی که امروز و فردا منتعمان از انقلاب سال 1357 ه . ش در نیاوران ( دورترین نقطه ممکن ایران از واقعیت زندگی قالب شهروندان ایرانی ) دور هم جمع شده و عده ای را هم با خود همراه کرده اند تا به بررسی یا شاید به معنای دقیق به بیان منویات و نظرات سیاسی خود به امداد آنچه از مشروطیت شاهد می آورند بپردازند ، در آذربایجان خبرهای دیگری است و جنبش جدیدی را بسیار فراگیرتر از آنچه در انقلاب مشروطه شاهد بودیم نظاره گریم . امروز صبح در زنجان خانواده رضا عباسی برای چندمین بار به دادرسی انقلاب می روند تا ببینند قاضی جوان بالاخره پرونده فرزندشان را دیده است یا نه ! فردا نیز در مراغه پنج جوان تحصیل کرده که به استادی دانشگاه ، دبیری دبیرستان و دانشجویی مشغو لند در دادگاه این شهر محاکمه خواهند شد . در اردبیل حدود ده نفر از صدها فردی که بازداشت شده بودند هنوز در زندان هستند و امروز احتمالاً خانواده هایشان دم در زندان خواهند رفت تا شاید آنها را ملاقات کنند . در زندان تبریز به خاطر شمار زیاد زندانیان ، بند سیاسی ایجاد شده است و هنوز 19 نفر از هزاران فرد دستگیر شده در خرداد و تیرماه در آن بند محبوسند . زندان ارومیه نیز خالی از زندانیان سیاسی ترک نیست و حتی وضعیت یکی از آنها ، معلم سلماسی جواد عباسی مشخص نیست . از شهر های کوچک خبرها هفته ها بعد می رسند و الان سایت های اینترنتی پر است از اسامی شهروندان مشکین شهری ، مغانی ، مرندی ، قره داغی ، نقده ای ، ماکوئی و... که پرونده دارند و مدتی هم در ماههای اخیر زندانی بوده اند . امروز صبح احتمالاً باز خانواده های صالح کامرانی و مهندس حسن راشدی برای چندمین مرتبه به قاضی های دادرسی انقلاب تهران مراجعه و ضمن اطلاع جوئی از وضعیت زندانیانشان نسبت به سلامتی جسمی ایشان که بیمارند هشدار خواهد داد . البته در شهر های دیگر کشور خصوصاً در تهران هم ، زندانیان سیاسی کم نیستند اما ترکهای دستگیر شده ، پس از تظاهرات دهها هزار آذربایجانی در اکثریت قریب به اتفاق شهر های آذربایجان از ماکو تا تهران رصد و زندانی شده اند . نکته کلیدی و اصلی میحث مطروحه نیز در اینجا است . اگر زندانیان سیاسی ایران غالباً براساس فعالیت های تشکیلاتی یا فردی خود دستگیر شده اند در مقابل ترکها به جهت انتساب خود به یک جنبش اجتماعی زندانی هستند . اگر برخی اصلاح طلبان و روشنفکران تهرانی هنوز آرزوی مشروطه را دارند در واقع آذربایجان با حضور خیابانی و مهمتر از آن ، شرکت کنندگان در تظاهرات با قبول و ابراز شعارگونه آنچه فعالین هویت طالب ترک در دهه گذشته مهیا کرده اند ، حضور خود به عنوان یک جنبش اجتماعی جمهور یخواه را اعلام کرد . اعتراض کنندگان به سیاست های قومی و ملی حاکم ، با قبول تفکرات هویت طلبانه و بیان خیابانی آن ، گذر خویش از حکومت مطلقه را نیز نشان دادند . چرا که اولاً یکی از ارکان استبداد جدید ایرانی ناسیونالیسم باستان گرای فارسی است که با ایجاد باور کاذب تاریخی در تحصیل کرده ها آنها را اسیر یک هویت و ملی گرای موهوم نموده است و از درک واقعیت های متنوع و پیچیده ملی و اجتماعی

ایران باز می‌دارد. اعتراض کنندگان ترك به راحتی مرگ این تفکر را با شعاری مثل " هارای ، هارای من تورکم" اعلام کردند. ثانیاً، چند هفته مقاومت در برابر حکومتی که مدعی اسلام است و ادامه تظاهرات خیابانی و اصرار بر ادامه اعتراضات تا زمانی که دیگر، شهرهای آذربایجان مملو از پلیس گشت، به راحتی تغییر باورهای دینی را نیز خبر می‌دهد. علی‌رغم اینکه مراجع حوزه علمیه قم نیز با مردم و خانواده‌های شهدا و آسیب دیده‌های هم‌دردی نکردند اما مردم کوتاه نیامدند و تا زمانی که امکان اعتراض بود اعتراض کردند. این نشان می‌دهد که آن باور نهادانگاران به دین که همه دین را در نهاد روحانیت شیعه، آن هم با محوریت چند نفر خلاصه می‌کند دیگر موضوعیت اجتماعی ندارد و مردم که غالباً نیز دیندارند، در مسائل اجتماعی خود مختار و به صلاح‌دید اهل آن فن و دنیای جدید عمل می‌کنند. ثالثاً، حرکت مردم و بی‌اعتنائی و بلکه ابراز انزجار ایشان از باورهای ملی و فرهنگی مرکز نشینان با شعارها و سخنانی که به زبان و کاغذ آمد تفکری مرکز‌گرای را به نمایش گذاشت که اگر به گستره متون منتشره عنایت کنیم، در حداقل خواسته‌های سیاسی اش به فدارلیسم راضی می‌شود. ایجاد دولت‌های فدرال در ایران نیز، قطعاً ساختار قانونی دیگری جز آنچه برای امروز نوشته شده است را طلب می‌کند، که در آن صورت باید تجدید نظر اساسی در تقسیم قدرت صورت پذیرد. رابعاً و مهمتر اینکه شکست تابوی آریا باوری تاریخی و اطاعت‌پذیری از دولت ظلّ الهی گامی است در ترقی تاریخی مورد نیاز برای انسان باوری فلسفی و اجتماعی مدرن در آذربایجان که در تنقیدی کردن بیشتر ذهن مردم موثر و قطعاً در تحدید دولت فرد محور در آینده نقش اساسی بازی خواهد کرد. کوتاه سخن اینکه اگر ترکها با درک دنیای مدرن توانستند در فاصله ای کمتر از نیم قرن به عنوان نیروی متفکرو بدنه اجتماعی مورد نیاز برای مشروطیت، حکومت ملی آذربایجان و برخی حرکات دیگر عمل کنند و سپس تفکر اجتماعی و دینی خود را در آذربایجان و تهران مصروف انقلاب 57 بکنند، امروز قصد تغییر ساختاری را دارند که هم فرهنگ رسمی ایرانی و هم ساختار حقوقی ایران را به چالش کشیده است. با نیروی عظیم اجتماعی که حتی در دهات 1 آذربایجان نیز آماده عمل است، تنها شکل حکومت ایران در آینده البته در صورت همکاری دیگر ایرانیان جمهوری خواهد بود. طلبات ریشه‌ای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آذربایجان و تا حدودی اقوام کرد، عرب، بلوچ و ترکمن را نمی‌توان با گفتگوی پشت پرده و پروژه مردمسالاری دینی اصلاح طلبان جواب داد. مردم ایران بدنه حرکت غیر شفاف اصلاح طلبی نخواهند شد. امروز جنبش اجتماعی ترك خواسته‌های مشخص و روش‌های معین عیان شده و عیان نشده دارد که حداقل، مطالعه نوع برخورد دولت ج.ا.ا. در چند ماه گذشته عمق و پتانسیل بزرگ آنرا نشان می‌دهد. تهران می‌تواند آرزو بکند، و شاید این آرزوی دولت مشروطه از سر سیری باشد. اما تبریز 2 به شکل غیر عادی عقب‌نگه داشته شده است و لی هنوز تبریز است و تفکرش حداقل در صد سال اخیر - برخلاف سنت شرقی - اجتماعی نیز بوده است. تبریز امروز، باز هم عمل می‌کند.

1-همزمان با دیگر شهرهای آذربایجان در شهر کوچک "آبر" شهرستان طارم زنجان که تا چند سال پیش روستا بود تظاهرات برگزار شد. بسیاری از دستگیر شدگان مشکین شهری از روستایی به نام "قارا درویش" بودند. همین چند هفته پیش بر اساس فیلم‌های تظاهرات اردبیل، 40 نفر از اهالی روستای "نیاز" این شهر دستگیر و برایشان تشکیل پرونده شد.

2-تبریز به عنوان نمادی از شهرهای سرزمین‌های تاریخی آذربایجان.